

همت قوی... روحیه شکست‌ناپذیر

مصطفی تابان - مشاور تحصیلی



یکی از عوامل مهم موفقیت در هدف‌های بلند مدت، داشتن روحیه‌ی شکست‌ناپذیری است. لازمه‌ی برخورداری از چنین قابلیت‌هایی، ناامید نشدن از شکست‌های احتمالی است.

این روزها در فضای مجازی داستانی پند آموز صفحه به صفحه می‌گردد. اطلاع از این ماجرای واقعی برای شما خالی از لطف نیست.

سرهنگ ساندرس در منزل نشسته بود و روزنامه می‌خواند. نوه‌ی چند ساله‌اش وارد اتاق و شد و گفت: پدر بزرگ! این ماه برایم یک دوچرخه می‌خری؟ او که نوه‌اش را خیلی دوست داشت، گفت: حتماً عزیزم و بلافاصله مشغول محاسبه شد. فکر کرد تنها درآمد او ماهی ۵۰۰ دلار حقوق بازنشستگی است که حتی گاهی در تأمین مخارج جاری خانه هم ناتوان می‌شود.

اندیشید شاید بتواند از لابه‌لای کتاب‌هایی که پیرامون موفقیت نوشته شده است، مطلب به مفیدی بیاموزد. شروع کرد به خواندن کتاب‌هایی با موضوع موفقیت. بیش از چند صفحه‌ای نخوانده بود که جمله‌ای ذهنش را سخت مشغول کرد.

«قابلیت‌های تان را روی کاغذ بنویسید»

اندکی تأمل کرد و سپس به سراغ قلم و کاغذ رفت.

باغبانی، خیاطی، اندکی نجاری، ...

دوباره نوه‌اش وارد اتاق شد. وقتی پدر بزرگ را سرگرم نوشتن دید، پرسید: پدر بزرگ! چی می‌کنی؟

سرهنگ گفت: عزیزم! کارهایی را که بلدم، می‌نویسم.

پسرک گفت: پس بنویس مرغ‌های خوشمزه هم درست می‌کنی.

درست بود؛ پیرمرد پودرهایی درست می‌کرد که وقتی مرغ‌های آماده‌ی پخت را به همراه آن‌ها سرخ می‌کرد، مزه مرغ‌ها شگفت‌انگیز می‌شد. جرقه‌ای ذهنش را روشن کرد.

مقداری از پودرها را برداشت و برای فروش به سراغ رستوران‌های دور و اطافشان برد. نه تنها از رستوران‌های اول و دوم و سوم که سرانجام از ۶۲۳ رستوران پاسخ منفی دریافت کرد. آ او مصمم به فروش پودرهای دست‌ساز خودش بود. به همین جهت وارد ششصد و بیست و چهارمین رستوران شد. این بار گفت‌وگوهایش با صاحب رستوران نتیجه داد. او حاضر شد برای سرخ کردن مرغ‌ها از پودرهای ساخته شده توسط سرهنگ ساندرس استفاده کند. و این همان کاری بود که امروزه اغلب رستوران‌ها در ۱۲۴ کشور دنیا انجام می‌دهند. تمام این رستوران‌ها پودر مورد نیاز خود را از کارخانه‌ی پودر کنتاکی ساندرس تهیه می‌کنند.

جالب است بدانید که در کشور آمریکا اگر رستورانی بخواهد از تصویر سرهنگ و پودر کنتاکی او در تابلوی رستوران خود استفاده کند باید ۵۰۰۰ دلار به شرکت کنتاکی ساندرس پرداخت نماید.

این داستان واقعی نمونه‌ای از هزاران موردی است که یک انسان توانسته است با غلبه بر ناامیدی و نپذیرفتن شکست، گام اصلی در رسیدن به هدف را بردارد. اما شما چه کنید تا بر ناامیدی غلبه کنید؟

مرد عمل باشید

انسان وقتی به ناامیدی می‌رسد، شور و اشتیاق اولیه‌ی خود را از دست می‌دهد و دیگر حتی تمایلی ندارد که به موضوع روی داده فکر کند. احساس می‌کند که نمی‌تواند راه به جایی بیرد. از این رو هر کاری که وی را از آن دور کند، آرام ترش می‌کند. به نظر می‌رسد. در چنین زمانی به دنبال آن هست که به هر طریق ممکن از کار اصلی طفره ببرد؛ اما اگر دارای اهداف مشخصی باشد و برای هدف خود ارزش قائل شود، گذر از این دست اندازه‌های کوچک نباید وی را خسته و ناراحت کند. این جمله‌ی توماس ادیسون بدون شک یکی از زیبا ترین جملات در مورد عملکرد مناسب در هنگام برخورد با مشکلات است. «بسیاری از افراد شکست خورده کسانی هستند که متوجه نبوده‌اند تا چه اندازه به اهداف خود نزدیک شده‌اند.»

اگر وقت دارید، به جای نگرانی تلاش کنید.

مسئله‌ی دیگر این است که برخی زمان بسیار زیادی را صرف نگرانی می‌کنند. این رفتار یکی از بدترین راه‌های اتلاف انرژی است و مانع از حرکت به سمت جلو می‌شود. در این مواقع بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که با حفظ اعتماد به نفس و یادآوری اهداف خود تلاش خود را از سر بگیرید و حرکت به سمت هدف را بار دیگر آغاز کنید. زمانی که به هدف رسیدید، متوجه می‌شوید که دیگر دلیلی برای نگرانی‌های غیر منطقی وجود نداشت.

عملکردهای خود را یادداشت کنید

هر کاری را که با موفقیت انجام می‌دهید، در یک دفترچه ثبت کنید. با انجام منظم این کار به صورت ماهانه می‌توانید متوجه شوید که در طول یک ماه تا چه میزان پیشرفت کرده‌اید. با پی بردن به این مسئله روحیه بسیار تقویت می‌شود و موفقیت‌های به ظاهر کوچک در مجموع موجب حیرت خواهند شد و در نتیجه امید به هفته‌های آتی و زمان‌های پیش‌رو بسیار تقویت می‌شود.